

## ساختارهای گفتمان مدار آیات مربوط به قیامت در سه جزء اول قرآن

الخاص ویسی\*

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۳

آزاده عبادی\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۲۰

### چکیده

در این پژوهش که عمدتاً متن محور و کیفی است، آیات مربوط به قیامت جزءهای اول تا سوم قرآن مجید از منظر تحلیل گفتمان مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند. هدف از پژوهش حاضر تشخیص ساختارهای گفتمان مدار است که هنگام سخن گفتن از روز قیامت به کار می‌روند و دیگر اینکه این ساختارها چه مفاهیم و حقایقی را درباره روز قیامت به مخاطب منتقل می‌کنند. در همین راستا تمام آیات مربوط به روز قیامت جزء اول تا سوم قرآن به روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت. ساختارهای گفتمان مدار بکاررفته در این آیات عبارت بودند از تعدی، وجهیت، کنش تعهدی و جملات پرسشی با کارکرد غیرمستقیم. بررسی ساختارهای مورد نظر در این جستار به این نتایج منجر شده است: قاطعیت خداوند هنگام سخن گفتن از روز رستاخیز، هشدار و سعی در بیداری غافلان، تأکید خداوند بر سهمگین و وحشتناک بودن روز قیامت برای اخطار و هشدار به انسان‌ها، قطعی و حتمی بودن وقوع قیامت. **کلیدواژگان:** قرآن، تحلیل گفتمان، ساختارهای گفتمان مدار.

\* استادیار گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، ایران.

\*\* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان انگلیسی، واحد آبدان، آبدان، ایران.

## مقدمه

از دیرباز اندیشمندان بسیاری به دنبال یافتن پاسخی مناسب برای مسایل مربوط به زبان بوده‌اند. بحث در مورد زبان به عنوان منحصر به فردترین و در عین حال فراگیرترین شاخصه آدمی، سابقه‌ای بس طولانی دارد. بسیاری از فلاسفه و علمای دینی، سیاسی و دیگر حوزه‌ها دغدغه یافتن رابطه‌ای میان زبان و ذهنیت، دین، هویت، فرد بودگی، جمع‌بودگی، قدرت، جنسیت، سیاست و ... داشته‌اند. در دهه‌های اخیر، بسیاری از اندیشمندان، رویکردهای زبان‌شناختی خصوصاً تحلیل محتوا را برای کاوش در عالم دین و کتب مقدس پیشنهاد کرده‌اند.

قرآن شاهد روشنی از ماهیت زبان است، و به صورتی بسیار آشکار شامل مفهوم و تصور زبان به معنایی است که از این اصطلاح فنی یعنی *langue* در زمان حاضر فهمیده می‌شود. قرآن طرز تصور خود را از وحی و مأموریت پیامبری بر روی همین اندیشه بنا می‌کند؛ از توجه به این واقعیت آغاز می‌کند که هر قوم دارای زبانی مخصوص به خویش است، و برای این امر از لحاظ ارتباط آن با نمود رسالت اهمیت فراوان قائل است مطالعه معنای غیر قابل رؤیت می‌باشد معنایی که شنونده قادر به شناسایی آن است و از طریق بافت تعبیر می‌شود. کشف این معنا مربوط به پیش‌فرض‌ها و انتظاراتی است که در ذهن گوینده و شنونده موجود است. زبان ماهیتی متعامل دارد. به این معنا که قراردادهای آن میان افراد بین‌الذهانی است و ارتباط میسر نمی‌شود مگر آنکه دو شخصی که پای آنان در کلام و سخن گفتن با یکدیگر به میان می‌آید به نظام واحدی از علائم آگاهی داشته باشند.

تأمل درباره قیامت از منظر عقل و نقل، از اهمیت و ضرورت فراوانی برخوردار است. بدون شک نگرش و دیدگاهی که انسان به پدیده مرگ و زندگی پس از مرگ، آخرت و قیامت دارد تأثیر عمده و بسیار مهمی در شیوه زندگانی آدمی در جوانی و بزرگسالی دارد. در این راستا، در این پژوهش به بررسی آیات مربوط به قیامت در سه جزء اول قرآن مجید از منظر تحلیل گفتمان پرداخته شده است. در تحلیل گفتمان معمولاً سعی می‌شود به تحلیل ناگفته‌های متن پرداخته شود. این ناگفته‌ها از راه‌های مختلفی مانند

بررسی واژگان متن و معانی آنها، دلالت‌های ضمنی واژگان و عبارات، پیش‌انگاری‌های موجود در متون و ساختار جملات و مؤلفه‌های نحوی مختلف می‌توانند آشکار شوند.

سؤال‌های اصلی این پژوهش عبارت‌اند از:

(۱) ساختارهای گفتمان مدار بکاررفته در سه جزء اول قرآن کریم هنگام سخن‌گفتن از قیامت و رستاخیز کدام‌اند؟

(۲) این ساختارها چه مفاهیم و محتوایی را درباره قیامت و رستاخیز به مخاطب منتقل می‌کنند؟

پاسخ به پرسش‌های فوق با بهره‌گیری از چارچوب نظری تحقیق مطرح می‌شود. برای تسهیل در این راستا، در ادامه به طور مختصر به بررسی ابعاد مختلف رویکرد نظری تحقیق می‌پردازیم.

## چارچوب نظری تحقیق

### (۱) گفتمان

میشل فوکو معنای بسیار گسترده‌ای برای گفتمان قائل است. او در دیرینه‌شناسی و تبارشناسی علوم اجتماعی و انسانی، از گفتمان به عنوان "مجموعه قواعد، اصول و صورت‌بندی‌هایی که به طور ناآگاهانه، علوم اجتماعی و انسانی را احاطه کرده است" یاد می‌کند (به نقل از تاجیک: ۳).

در میان تعاریف فراوان و مختلف و گاه متضادی که در مورد گفتمان توسط صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف بیان شده، باربارا جانستون تقسیم‌بندی دوگانه‌ای در مورد معنای واژه گفتمان ارائه داده است که با مفهوم گفتمان مد نظر در این پژوهش نیز سازگاری دارد. او می‌گوید می‌توان گفتمان را اسمی غیر قابل شمارش و یا اسمی قابل شمارش در نظر گرفت.

در این صورت گفتمان به عنوان اسم غیر قابل شمارش<sup>۱</sup>، یعنی نموده‌های عینی و واقعی کنش ارتباطی با بکارگیری ابزار زبان به حساب می‌آید. اگر گفتمان اسم قابل

---

Uncountable noun<sup>۱</sup>

شمارش<sup>۱</sup> به کار برود؛ در این صورت می‌توان آن را به صورت جمع هم به کار برد. گفتمان یعنی «روش‌های خاص سخن‌گفتن که منعکس‌کننده طرز فکرهای خاص هستند و هم‌چنین خود نیز آن طرز فکرها را شکل می‌دهند».

این روش‌های بهم‌پیوسته طرز تفکر و سخن‌گفتن، ایدئولوژی‌ها را می‌سازند و کارشان این است که قدرت را در جامعه به جریان درآورند. برخی از تحلیلگران این دو معنای گفتمان را در نوشتار به صورتی مجزا از هم نشان می‌دهند. فرکلاف می‌گوید: «گفتمان مفهومی است که هم توسط نظریه‌پردازان و تحلیلگران اجتماعی و هم توسط زبان‌شناسان به کار می‌رود. از نظر او گفتمان به معنای کاربرد زبان به صورت گفتاری یا نوشتاری می‌باشد و هم‌چنین دیگر فعالیت‌های نشانه‌ای مثل تصاویر دیداری (عکس، فیلم و ...) و ارتباطات غیرکلامی (مثل ژست‌ها) را نیز در بر می‌گیرد یعنی همان چیزی که در زبان‌شناسی سنتی با عنوان کنش<sup>۲</sup>، گفتار<sup>۳</sup> یا همان کاربرد زبان از آن یاد می‌شود (فرکلاف: ۶۲).

## ۲) تحلیل گفتمان

ارائه تعریفی واحد از تحلیل گفتمان که جامع و مانع بوده و مورد پذیرش اکثریت قریب به اتفاق افراد باشد، کاری بس دشوار است. به طور خلاصه می‌توان گفت شالوده‌ها و بنیان‌های بیش‌تر تعاریف و نظریاتی که در مورد تحلیل گفتمان وجود دارد، ریشه در دو گرایش مهم در زبان‌شناسی، یعنی ساخت‌گرایی و نقش‌گرایی دارند. آن‌هایی که تحلیل گفتمان را به مثابه "تحلیل زبان فراتر از سطح جمله" در نظر می‌گیرند ساخت‌گرا هستند و آن‌هایی که گفتمان را به مثابه "زبان به عنوان کاربرد" می‌دانند نقش‌گرا می‌باشند. همان‌گونه که ریچاردسون هم می‌گوید: «تحلیل گفتمان از نظر نظری، روش شناختی و تحلیلی، حوزه‌ای بسیار گسترده است؛ ولی بر خلاف مباحثات گسترده در حوزه تحلیل گفتمان، دو رویکرد کلی برای تعریف آن وجود دارد: اول مربوط می‌شود به دسته‌ای که گفتمان را به عنوان واحد خاصی از زبان در نظر می‌گیرند،

Conntable noun<sup>۱</sup>

performance<sup>۲</sup>

parole<sup>۳</sup>

مخصوصاً به عنوان واحدی فراتر از سطح جمله که همان تعریف ساخت‌گرایان یا صورت‌گرایان از گفتمان است؛ چراکه بر صورتی که زبان به خود می‌گیرد تأکید دارد» (ریچاردسون: ۱۵). ولی این تعریف کفایت نمی‌کند، چراکه این تعریف، نظریات اجتماعی که ما را از روش کاربرد و تفسیر زبان آگاه می‌کنند نادیده می‌انگارد. این جنبه‌های اجتماعی زبان در تعریف گسترده‌تری از گفتمان، یعنی همان تعریف نقش‌گرایان جای می‌گیرند؛ اینکه گفتمان باید به عنوان مطالعه زبان در کاربرد در نظر گرفته شود. نقش‌گرایان زبان را فعال در نظر می‌گیرند و می‌گویند تحلیل گفتمان یعنی مطالعه آنچه که افراد از طریق سخن و متن انجام می‌دهند. زبان به کار می‌رود تا کارهایی را انجام داده و چیزهایی را بیان کند که نه تنها به بافت بلافصل گوینده - متن - مخاطب مربوط است، بلکه به بافت‌های گسترده‌تر تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی که این کنش ارتباطی را محدود می‌کنند نیز مربوط می‌باشد.

علاوه بر نقش‌هایی که واژگان، عبارات و ساختارهای جمله مانند در برقراری ارتباط ایفا می‌کنند، تحلیل‌گران گفتمان می‌گویند که خود زبان نقش‌های بزرگ‌تر و گسترده‌تری را ایفا می‌کند. زبان هم زمان هم منعکس‌کننده واقعیت است و هم واقعیت را می‌سازد؛ یعنی زبان در تولید و بازتولید واقعیت اجتماعی نقش دارد (همان: ۲۵-۲۲). جانستون برخی از گزینش‌هایی را که تولیدکنندگان گفتمان انجام می‌دهند، به صورت زیر بیان می‌کند (جانستون: ۶۰-۵۴).

### الف) گزینش در مورد بازنمود اعمال، عاملان و رویدادها

اینکه چه کسی یا چه چیزی به عنوان عامل نمایش داده می‌شود و عمل بر روی چه کسی یا چه چیزی اعمال می‌شود. یکی از حوزه‌هایی که می‌توان چنین تمایزهایی را در آن مشخص کرد، در زبان انگلیسی و بسیاری از زبان‌های دیگر دنیا، گزینش بین جمله معلوم و مجهول است.

صورت مجهول معمولاً برای تصویرسازی عاملان یک عمل به صورت نامعلوم، مبهم، بدیهی یا بی‌اهمیت به کار می‌رود. هم‌چنین می‌توان از صورت مجهول برای پنهان‌سازی

یک عامل معلوم استفاده کرد، یا اصلاً بی اهمیت جلوه دادن این موضوع که عاملی دخیل بوده است.

اسم‌سازی<sup>۱</sup> هم یکی دیگر از روش‌هایی است که بازنمایی رویدادها، اعمال و عاملان را می‌توان توسط آن کنترل کرد.

اسم‌سازی یعنی واژه‌هایی را که می‌توانند به صورت فعل، قید یا صفت به کار بروند، با افزودن وندهای اسم‌ساز یا بدون آن‌ها، به صورت اسم به کار ببریم. انتخاب‌هایی که شامل انتساب نقش‌های معنایی و اسم‌سازی می‌شوند، می‌توانند افراد را طوری بازنمایی نمایند که گویی بر سرنوشت خود هیچ اراده و کنترلی ندارند.

### ب) انتخاب‌هایی در مورد بازنمایی وضعیت دانش

بسیاری از زبان‌ها برای سخنگویان خود روش‌هایی را برای بازنمایی رابطه‌شان با ادعاهایی که می‌کنند فراهم می‌آورند. قیدهایی مثل «مسلماً، بدون شک، احتمالاً و شاید» نشان‌دهنده این رابطه هستند.

به زمان حال ساده، روشی برای نشان دادن صحت کامل یک ادعا می‌باشد. «be» یا مثلاً کاربرد فعل یا افعالی مثل اطلاع داشتن، شک داشتن، ادعا کردن یا تصور کردن، نشان‌دهنده درجه اطمینان در مورد صحت ادعا هستند.

کاربرد این صورت‌های وجهی معرفت‌شناسانه که نشان‌دهنده درجه اطمینان‌اند، می‌تواند روشی برای مانع‌شدن از هرگونه بحث و مخالفت هم باشد. بر عکس صورت‌هایی که عدم اطمینان را می‌رسانند، می‌توانند سخنگویان را طوری نشان دهند که کمبود اعتماد به نفس یا هوش دارند. سخنگویان با صورت‌هایی که به کار می‌برند، می‌توانند خود را آگاه یا نه صرفاً حدس‌زننده جلوه دهند و هم‌چنین ادعاهای خود را آگاهانه و مطمئن، ممکن یا غیرممکن نشان دهند یکی از روش‌های ضعیف جلوه دادن افراد این است که در مورد ادعاهای خود، اظهار عدم اطمینان کنند که به این کار احتیاط<sup>۲</sup> هم می‌گویند.

---

Nominalization<sup>۱</sup>

Hedging<sup>۲</sup>

### ج) گزینش واژگان و نامگذاری

تصمیم در مورد نامیدن چیزی می‌تواند حاوی ادعایی در مورد آن چیز باشد. هم‌چنین گزینش از میان اصطلاحات موجود می‌تواند منعکس‌کننده ادعاهایی در مورد جهان باشد.

حسن تعبیر<sup>۱</sup> یعنی برای واژه‌ای که معنای ضمنی منفی دارد، صورتی را به کار ببریم که ظاهراً خوشایندتر است یکی از رایج‌ترین راه‌های دگرگویی است که عکس آن هم سوء تعبیر<sup>۲</sup> می‌باشد.

### د) انتخاب در مورد نمایش و گنجاندن آراء و عقاید دیگران

همان‌طور که باختین، زبان‌شناس روس، بیان می‌کند همه گفتمان‌ها چندنظری<sup>۳</sup> هستند؛ به عبارت دیگر گفتمان‌ها از تکه‌ها و بخش‌های گفتمان‌های دیگر، سبک‌ها و عقاید دیگر ساخته شده و یا چند تفسیری<sup>۴</sup>‌اند.

یکی از راه‌های باز نمود آشکار آراء دیگران، نقل قول و توصیف گفتار آن‌هاست. نویسنده در این رابطه می‌خواهد بداند چگونه می‌توان باز نمودی از آراء دیگران در راستای تحقق هدف گفتمان خود به وجود آورد (همان).

### پیشینه تحقیق

در این بخش پژوهش‌های انجام‌شده در مورد تحلیل گفتمانی قرآن و متون مذهبی و هم‌چنین قیامت به اختصار بررسی می‌شوند. *العموش* در کتاب خود بر روی گفتمان سوره بقره کار کرده است. او کوشیده تا برخی از آثار و نشانه‌های تناسب زبانی در گفتمان قرآن را با داده‌های مختلف بافت روشن نماید. وی هم‌چنین سعی نموده ابتدای متن را برای دسترسی به بافت و ابتدای بافت را محیط بر متن برای دستیابی به ساخت زبانی آن در دو محور به هم مربوط کند.

<sup>۱</sup>Euphemism

<sup>۲</sup>Dysphemism

<sup>۳</sup>Multi-voiced

<sup>۴</sup>Hetroglossic

این دو محور درهم تنیده عبارت‌اند از ۱- محور هم‌زمانی که در تحلیل پدیده‌ها بر روابط و ساخت‌های مرکب و پیوستگی آن‌ها در بافتی بهم پیوسته در یک نگرش بافتی مشخص تکیه می‌کند. ۲- محور درزمانی که به تحول پدیده‌ها و تغییر وضع آن‌ها در دوره‌های زمانی پیاپی توجه دارد. به همین جهت در استقرار رابطه بین متن و بافت در قرآن در سوره بقره، گاه به رویکرد توصیفی توجه دارد و گاه به رویکرد اجتماعی. باستانی و سوسنی در مقاله خود به بررسی تأثیر جنسیت در گفتمان دو ترجمه معاصر از قرآن پرداخته‌اند. در این مقاله نظام مردسالاری به مثابه گفتمانی با کارکرد ایدئولوژیک مطرح شده است که از یک سو خرده‌گفتمان‌هایی را در دل دارد، و از سوی دیگر مانع از آن می‌شود که واقعیات فرهنگی و اجتماعی و حتی زیستی پیرامون آن به صورت بی‌طرفانه بازنمایی شود.

این تحلیل تقابل بین دو نظام معنایی را نشان می‌دهد؛ گفتمانی که به بازتولید گفتمان مردسالاری می‌پردازد، در مقابل گفتمانی که سعی می‌کند نظم گفتمانی مردسالاری را به چالش بکشد و معانی جدیدی را بسازد تا نشانه‌های گفتمان برابری را تقویت نماید و تقدم هویت انسانی بر هویت جنسی را نمایان سازد. در واقع هر یک از دو مترجم با استفاده از سازوکارهای گوناگون، سعی در برجسته‌سازی نشانه‌های گفتمان مطلوب خود و ساختار شکنی و حاشیه‌رانی نشانه‌های گفتمان مقابل دارند (باستانی و سوسنی: ۱۳-۵).

سیدی در مقاله خود با بررسی واژگان کلیدی چون «ایمان» و «الله» و بررسی گزینش نام در سوره‌های قرآن مثل سوره «دخان» بیان می‌کند که تنها از طریق این واژگان می‌توان متن قرآنی یا متن سوره را تحلیل نمود. او عقیده دارد که واژه در قرآن نقش کلیدی را ایفا می‌کند که می‌تواند به تنهایی بیانگر جهان‌بینی صاحب متن باشد. از این رو گزینش واژه در قرآن کریم چنان استوار است که می‌تواند به تنهایی ابزار تحلیل گفتمان باشد. علاوه بر این می‌تواند بیانگر آن باشد که متن قرآن در حوزه واژگان نیز اعجاز واژگانی دارد. این اعجاز را این بار در گزینش واژه به عنوان ابزار تحلیل گفتمان می‌توان یاد کرد (سیدی: ۳۲).



خرمی و بابایی نیز در مقاله خود به روز قیامت و شیوه‌های حسابرسی در این روز از منظر قرآن پرداخته‌اند. آن‌ها بیان کرده‌اند که سؤال و پرسش در قیامت عمومی است و از همه افراد صورت خواهد گرفت. قیامت دارای مواقف و ایستگاه‌های گوناگونی است. در بعضی از این مواقف از همه سؤال می‌شود و گنهکاران مورد پرسش قرار می‌گیرند، ولی در بعضی دیگر از کسی سؤال نخواهد شد و فقط مجازات در پی خواهد داشت. سؤالی که در قیامت از مجرمان خواهد شد، برای کشف حقیقت نیست؛ چون خداوند از حال آن‌ها باخبر است، بلکه سؤال برای اعتراف کردن و اتمام حجت بر آن‌هاست و این خود نوعی عذاب روحی است (خرمی و بابایی: ۴۶-۵۵).

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

### مؤلفه‌های مورد استفاده در پژوهش

وند/یک ساختارهای گفتمان مدار و سطوح تحلیل را به سطوح گرافیکی، آوایی، ساخت واژی و نحوی و معنایی تقسیم کرده است. او این ساختارها را شامل ابزارهای متنی، کلان ساختارهای معنایی یا موضوعات، روابط گزاره‌ای مثل استلزام، از پیش انگاری و ...، ساختارهای طرح‌واره‌ای، روابط بدیعی مثل استعاره، کنایه، مجاز و ...، آهنگ کلام و واج‌آرایی، کنش‌های گفتاری، ساختارها و روابط نحوی می‌داند (وندیک: ۲۰۶-۲۰۰).

تحلیل‌گران گفتمان و صاحب‌نظران دیگر در این حوزه، هر کدام به نوبه خود مجموعه‌ای از ساختارهای گفتمان مدار را برای انجام تحلیل‌ها معرفی و ارائه کرده‌اند؛ از موضوعات یا کلان ساختارهای معنایی گرفته، تا مؤلفه‌های نحوی مربوط به ساختار جملات و مؤلفه‌های انسجامی بکاررفته در متون، تا کاربرد واژگان، صفات و نامگذاری یا ارجاع. لازم به ذکر است که تحلیلگر می‌تواند با توجه به نوع متن مورد بررسی، مؤلفه‌های خود را برگزیند. در این پژوهش چهار مؤلفه تعدی، وجهیت، جملات سؤالی با محتوای غیرسؤالی و کنش تعهدی انتخاب شده‌اند که هر کدام به ترتیب معرفی شده و نمونه‌های آن در قرآن ارائه می‌شوند.

## الف) تعدی

تعدی یا گذرا یا ناگذر بودن فعل، روابط بین شرکت کنندگان و نقش‌هایی را که آن‌ها در فرآیندهای گزارش شده ایفا می‌کنند توصیف می‌کند. میلز می‌گوید که مطالعه تعدی فعل مربوط به این است که اعمال چگونه نمایش داده می‌شوند، چه اعمالی در متن ظاهر می‌شوند، چه کسی آن‌ها را انجام می‌دهد و در مورد چه کسی انجام شده‌اند. در مطالعه تعدی فعل، نکته اساسی این است که مجموعه‌ای از انتخاب‌ها موجودند و هر متنی که تولید شده است، امکان این را داشته که به صورت دیگری تولید شود؛ یعنی انتخاب بین اینکه چگونه شرکت کنندگان یک رویداد نمایش داده شوند و خود آن رویداد چگونه بازنمود شود که در فعل اصلی گروه منعکس می‌گردد. در هر عملی سه مؤلفه قابل تغییر وجود دارد:

- ۱- شرکت کنندگان در آن عمل که نقش‌های آن‌ها معمولاً توسط گروه‌های اسمی مشخص می‌شود.
  - ۲- خود عمل که توسط گروه فعلی نمایان می‌شود.
  - ۳- موقعیت‌های مربوط به آن عمل که معمولاً توسط گروه‌های قیدی و حرف اضافه‌ای نشان داده می‌شوند (میلز: ۱۴۴-۱۴۳ به نقل از ریچاردسون: ۵۴).
- یا ماهیت عمل و چگونگی ساختار جمله در بیان آن تمایز قائل شده است<sup>۱</sup>، او هم‌چنین میان خود عمل او معتقد است که یک عمل متعدی<sup>۲</sup> را می‌توان از نظر صوری هم به صورت معلوم و هم به صورت مجهول بیان کرد.
- در واقع نظر او این است که ساختار صوری جمله تأثیری در ماهیت عمل ندارد و این دو از هم جدا می‌باشند. مثالی که او می‌آورد اینگونه است:
- ۱) «جان توپ را پرتاب کرد» این جمله از نظر صوری می‌تواند به صورت مجهول نیز بیاید.
- ۲) «توپ توسط جان پرتاب شد» و حتی عامل نیز می‌تواند حذف شود.
- ۳) «توپ پرتاب شد».

---

Action<sup>۱</sup>

A transitive action<sup>۲</sup>

ولی در این سه جمله عمل «پرتاب کردن» هم‌چنان متعدی است (همان). او می‌گوید این نوع تبدیل که در آن یک عمل متعدی طوری تغییر کند که عامل حذف شود، تبدیلی است که به وفور در متون روزنامه‌ها دیده می‌شود. علاوه بر این حذف عامل فقط در فرآیندهای دارای عمل متعدی روی نمی‌دهد، بلکه عامل می‌تواند در فرآیندهای کلامی (او اظهار کرد یا اظهاراتی بیان شدند)، یا فرآیندهای ذهنی (او پیشنهاد را در نظر گرفت، یا پیشنهاد در نظر گرفته شد) نیز حذف شود. هر تبدیلی از اینگونه، صراحت و دقت جمله را کاهش می‌دهد. زبان به ما این امکان را می‌دهد که یک رویداد واحد را به صورت‌های متنوعی بیان کنیم. بنابراین ما می‌توانیم انتخاب کنیم که حادثه‌ای را به صورت عمل متعدی یا به صورت عمل رابطه‌ای بیان کنیم. هر کدام از این انتخاب‌ها معانی ضمنی مهمی را در خود دارند. در واقع مطالعات متعدد در روزنامه‌نگاری نشان داده است که بیش‌تر این انتخاب‌ها، از اهمیت ایدئولوژیکی یا اجتماعی برخوردارند (همان: ۵۶).

ریچاردسون مثال جالبی درباره گزارش روزنامه‌های دو جناح در مورد اعتصاب کارگران معدن در بریتانیا در سال ۱۹۸۳ ارائه داده است (همان: ۵۷). در روزنامه‌های جناح محافظه‌کار طرفدار دولت، جملات اینگونه می‌باشند:

(۱) ۴۱ نفر از نیروهای پلیس در بیمارستان درمان شدند.

(۲) اسب‌های پلیس و سواران آن‌ها با سنگ مورد حمله قرار گرفتند.

(۳) اعتصاب‌کنندگان نیروهای پلیس را مورد حمله قرار دادند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، پلیس در اینجا به عنوان مفعول و کنش‌پذیر عمل متعدی خشونت نشان داده شده است، در حالی که اعتصاب‌کنندگان عامل این خشونت ظاهر شده‌اند. حال گزارش‌های روزنامه‌های جناح چپ را می‌بینیم:

(۱) پلیس به گروه‌های متفرق شده کارگران معدن حمله کرد.

(۲) هزاران کارگر معدن با باتوم مورد حمله قرار گرفتند.

(۳) دیروز سه هزار نفر از اعتصاب‌کنندگان اطراف کورتون گرد هم آمدند.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در اینجا جای پلیس و اعتصاب‌کنندگان تغییر کرده است؛ اعتصاب‌کنندگان به عنوان پذیرنده و کنش‌پذیر اعمال خشونت‌آمیز پلیس قرار

گرفته‌اند و جایی هم که عامل می‌باشند، در اعمال غیر خشونت آمیز دخیل‌اند. ما می‌توانیم موقعیت‌های مربوط به یک عمل را با زمینه‌سازی‌های<sup>۱</sup> بیش‌تر (به صورت گروه‌های قیدی و حرف اضافه‌ای) و یا از طریق ساخت روابط معنایی یک عمل تغییر دهیم (همان: ۵۷).

یکی از نکات مهم در متن قرآن، کاربرد جملات مجهول هنگام سخن‌گفتن درباره رخداد‌های دارای بار منفی و وحشت‌آور است. در واقع با کاربرد جمله مجهول، بر خود این رویدادها تأکید شده، عامل جملات حاشیه‌رانی شده است؛ یعنی خود این رویدادها هستند که مهم و آگاه‌کننده‌اند و می‌توانند انسان‌های عاقل را به تفکر وا دارند و غافلان را از خواب غفلت بیدار کنند.

در ذیل تمام مواردی که در سه جزء اول در آن‌ها از این جملات استفاده شده است، آمده است و به عنوان نمونه بعضی از آنها آورده شده است:

### جزء اول در آیات ۷ تا ۱۲۶ سوره بقره، ۱۵ مورد

﴿فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾<sup>۱</sup>

«پس اگر چنین نکنید - که هرگز نخواهید کرد - از آتشی بترسید که هیزم آن، بدن‌های مردم (گنهکار) و سنگ‌ها [بت‌ها] است، و برای کافران آماده شده است»

﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتَوَاهِبُهُمْ مِثْلَهَا وَلَهُمْ فِيهَا أَنْوَاعٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾<sup>۲</sup>

«به کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بشارت ده که باغ‌هایی از بهشت برای آن‌هاست که نهرها از زیر درختانش جاری است. هر زمان که میوه‌ای از آن، به آنان داده شود، می‌گویند: «این همان است که قبلاً به ما روزی داده شده بود (ولی این‌ها چقدر از آن‌ها بهتر و عالی‌تر است)» و میوه‌هایی که برای آن‌ها آورده می‌شود، همه (از نظر خوبی و زیبایی) یکسان‌اند. و برای آنان همسرانی پاک و پاکیزه است، و جاودانه در آن خواهند بود»

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾<sup>۳</sup>

«و کسانی که کافر شدند، و آیات ما را دروغ پنداشتند اهل دوزخ‌اند؛ و همیشه در آن خواهند بود»

﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾

«و از آن روز بترسید که کسی مجازات دیگری را نمی‌پذیرد و نه از او شفاعت پذیرفته می‌شود؛ و نه غرامت از او قبول خواهد شد؛ و نه یاری می‌شوند»

﴿ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾

«سپس شما را پس از مرگتان، حیات بخشیدیم؛ شاید شکر (نعمت او را) به جا آورید».

﴿لِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾

«کسانی که (به پیامبر اسلام) ایمان آورده‌اند، و کسانی که به آئین یهود گرویدند و نصاری و صابئان [پیروان یحیی] هر گاه به خدا و روز رستاخیز ایمان آورند، و عمل صالح انجام دهند، پاداششان نزد پروردگارشان مسلم است؛ و هیچ‌گونه ترس و اندوهی برای آن‌ها نیست (هر کدام از پیروان ادیان الهی، که در عصر و زمان خود، بر طبق وظایف و فرمان دین عمل کرده‌اند، مأجور و رستگارند)»

﴿فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بَعْضَهَا كَذَلِكَ يُخَيِّئُ اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾

«سپس گفتیم: «قسمتی از گاو را به مقتول بزنید! (تا زنده شود، و قاتل را معرفی کند) خداوند این‌گونه مردگان را زنده می‌کند؛ و آیات خود را به شما نشان می‌دهد؛ شاید اندیشه کنید»

﴿بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾

«آری، کسانی که کسب گناه کنند، و آثار گناه، سراسر وجودشان را ببوشاند، آن‌ها اهل آتش‌اند؛ و جاودانه در آن خواهند بود»

﴿ثُمَّ أَنْتُمْ هُمْ لَا تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِن يَأْتُواكُمْ أُسَارَىٰ تَفَادَوْهُمْ وَهُوَ مُحْرَمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفْتَوْا مُنُونٍ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ مِنْكُمْ الْآخِرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾

«اما این شما هستید که یکدیگر را می‌کشید و جمعی از خودتان را از سرزمینشان بیرون می‌کنید؛ و در این گناه و تجاوز، به یکدیگر کمک می‌نمایید؛ (و این‌ها همه نقض پیمانی است که با خدا بسته‌اید) در حالی که اگر بعضی از آن‌ها به صورت اسیران نزد

شما آیند، فدیة می دهید و آنان را آزاد می سازید! با اینکه بیرون ساختن آنان بر شما حرام بود. آیا به بعضی از دستورات کتاب آسمانی ایمان می آورید، و به بعضی کافر می شوید؟! برای کسی از شما که این عمل (تبعیض در میان احکام و قوانین الهی) را انجام دهد، جز رسوایی در این جهان، چیزی نخواهد بود، و روز رستاخیز به شدیدترین عذاب‌ها گرفتار می شوند. و خداوند از آنچه انجام می دهید غافل نیست»

﴿بَسْمًا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَعِيًّا أَنْ يَتَّزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ قَبَاءً وَإِبْغَاصًا عَلَىٰ غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ﴾ ﴿۱۰﴾

«ولی آن‌ها در مقابل بهای بدی، خود را فروختند؛ که به ناروا، به آیاتی که خدا فرستاده بود، کافر شدند. و معترض بودند، چرا خداوند به فضل خویش، بر هر کس از بندگانش بخواهد، آیات خود را نازل می کند؟! از این رو به خشمی بعد از خشمی (از سوی خدا) گرفتار شدند. و برای کافران مجازاتی خوارکننده است»

﴿وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَىٰ حَيَاتِهِ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرْحَرَ حَرْجِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾ ﴿۱۱﴾

«و آن‌ها را حریص‌ترین مردم - حتی حریص‌تر از مشرکان - بر زندگی (این دنیا، و اندوختن ثروت) خواهی یافت؛ (تا آنجا) که هر یک از آن‌ها آرزو دارد هزار سال عمر به او داده شود! در حالی که این عمر طولانی، او را از کیفر (الهی) باز نخواهد داشت. و خداوند به اعمال آن‌ها بیناست»

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ ﴿۱۲﴾

«ای افراد باایمان! (هنگامی که از پیغمبر تقاضای مهلت برای درک آیات قرآن می کنید) نگویید: «راعنا»؛ بلکه بگویید: «انظرنا». (زیرا کلمه اول، هم به معنی «ما را مهلت بده!»، و هم به معنی «ما را تحمیق کن!» می باشد؛ و دستاویزی برای دشمنان است.) و (آنچه به شما دستور داده می شود) بشنوید! و برای کافران (و استهزاکنندگان) عذاب دردناکی است»

﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُدْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ ﴿۱۳﴾

«کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آن‌ها نمود؟! شایسته نیست آنان، جز با ترس و وحشت، وارد این (کانون‌های عبادت) شوند. بهره آن‌ها در دنیا (فقط) رسوایی است و در سرای دیگر، عذاب عظیم (الهی)»

﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾

«از روزی بترسید که هیچ کس از دیگری دفاع نمی کند؛ و هیچ گونه عوضی از او قبول نمی شود؛ و شفاعت، او را سود نمی دهد؛ و (از هیچ سوئی) یاری نمی شوند»  
 ﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾  
 «و (به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم عرض کرد: «پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده! و اهل آن را -آن ها که به خدا و روز بازپسین، ایمان آورده اند- از ثمرات (گوناگون)، روزی ده!» گفت: «(ما دعای تو را اجابت کردیم؛ و مؤمنان را از انواع برکات، بهره مند ساختیم؛) اما به آن ها که کافر شدند، بهره کمی خواهیم داد؛ سپس آن ها را به عذاب آتش می کشانیم؛ و چه بد سرانجامی دارند»

### جزء دوم در آیات ۱۳۰ تا ۲۱۲ بقره (۷ مورد)

﴿وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ الْأَمْنِ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَا فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ﴾

«جز افراد سفیه و نادان، چه کسی از آیین ابراهیم، (با آن پاکی و درخشندگی)، روی گردان خواهد شد؟! ما او را در این جهان برگزیدیم؛ و او در جهان دیگر، از صالحان است»

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾

«کسانی که کتمان می کنند آنچه را خدا از کتاب نازل کرده، و آن را به بهای کمی می فروشند، آن ها جز آتش چیزی نمی خورند؛ (و هدایا و اموالی که از این رهگذر به دست می آورند، در حقیقت آتش سوزانی است.) و خداوند، روز قیامت، با آن ها سخن نمی گوید؛ و آنان را پاکیزه نمی کند؛ و برای آن ها عذاب دردناکی است»

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرْبُ بِالْحَرْبِ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَعَلَىٰ عَذَابٍ أَلِيمٍ﴾

«ای افرادی که ایمان آورده اید! حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما نوشته شده است: آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن، پس اگر کسی از سوی

برادر (دینی) خود، چیزی به او بخشیده شود، (و حکم قصاص او، تبدیل به خونبها گردد)، باید از راه پسندیده پیروی کند. (و صاحب خون، حال پرداخت کننده دبه را در نظر بگیرد.) و او [قاتل] نیز، به نیکی دبه را (به ولی مقتول) بپردازد؛ (و در آن، مسامحه نکند). این، تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما! و کسی که بعد از آن، تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد داشت»

﴿وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ ﴿۱۰۰﴾

«و بعضی می گویند: «پروردگارا! به ما در دنیا (\*نیکی\*) عطا کن! و در آخرت نیز (\*نیکی\*) مرحمت فرما! و ما را از عذاب آتش نگاه دار!»

﴿وَإِذْ كَرَّوَاللَّهُ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ ﴿۱۰۱﴾

«و خدا را در روزهای معینی یاد کنید! (روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ماه ذی حجه). و هر کس شتاب کند، (و ذکر خدا را) در دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست، و هر که تأخیر کند، (و سه روز انجام دهد نیز) گناهی بر او نیست؛ برای کسی که تقوا پیشه کند. و از خدا بپرهیزید! و بدانید شما به سوی او محشور خواهید شد!»

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُ لَهُ جَهَنَّمُ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ﴾ ﴿۱۰۲﴾

«و هنگامی که به آن‌ها گفته شود: «از خدا بترسید!» (لجاجت آنان بیش تر می شود)، و لجاجت و تعصب، آن‌ها را به گناه می کشاند. آتش دوزخ برای آنان کافی است؛ و چه بد جایگاهی است!»

﴿زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْفَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ ﴿۱۰۳﴾

«زندگی دنیا برای کافران زینت داده شده است، از این رو افراد باایمان را (که گاهی دستشان تهی است)، مسخره می کنند؛ در حالی که پرهیزگاران در قیامت، بالاتر از آنان هستند؛ (چراکه ارزش‌های حقیقی در آنجا آشکار می گردد، و صورت عینی به خود می گیرد؛ و خداوند، هر کس را بخواهد بدون حساب روزی می دهد»

### جزء سوم در آیات ۲۶۴ سوره بقره تا ۹۱ سوره آل عمران (۹ مورد)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانَ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ ﴿۱۰۴﴾



«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بخشش‌های خود را با منت و آزار، باطل نسازید! همانند کسی که مال خود را برای نشان دادن به مردم، انفاق می‌کند؛ و به خدا و روز رستاخیز، ایمان نمی‌آورد؛ (کار او) همچون قطعه سنگی است که بر آن، (قشر نازکی از) خاک باشد؛ (و بذرهایی در آن افشاندن شود)؛ و رگبار باران به آن برسد، (و همه خاک‌ها و بذرها را بشوید،) و آن را صاف (و خالی از خاک و بذر) رها کند. آن‌ها از کاری که انجام داده‌اند، چیزی به دست نمی‌آورند؛ و خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمی‌کند»

﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقْوَمُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَخْبِطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكِ بَأْتَهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَاتْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۵﴾﴾

«کسانی که ربا می‌خورند، (در قیامت) برنمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند؛ گاهی زمین می‌خورد، گاهی بپا می‌خیزد). این، به خاطر آن است که گفتند: «داد و ستد هم مانند ربا است (و تفاوتی میان آن دو نیست.)» در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام! (زیرا فرق میان این دو، بسیار است.) و اگر کسی اندرز الهی به او رسد، و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق [قبل از نزول حکم تحریم] به دست آورده، مال اوست؛ (و این حکم، گذشته را شامل نمی‌گردد؛) و کار او به خدا واگذار می‌شود؛ (و گذشته او را خواهد بخشید.) اما کسانی که بازگردند (و بار دیگر مرتکب این گناه شوند)، اهل آتش‌اند؛ و همیشه در آن می‌مانند»

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ ﴿۲۶﴾﴾  
«ثروت‌ها و فرزندان کسانی که کافر شدند، نمی‌تواند آنان را از (عذاب) خداوند باز دارد؛ (و از کیفر، رهایی بخشد.) و آنان خود، آتشگیره دوزخ‌اند»

﴿قُلْ أَتُوبُكُمْ يَحْيَىٰ مِنْ ذِكْمِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿۲۷﴾﴾

«بگو: «آیا شما را از چیزی آگاه کنم که از این (سرمایه‌های مادی)، بهتر است؟» برای کسانی که پرهیزگاری پیشه کرده‌اند، (و از این سرمایه‌ها، در راه مشروع و حق و عدالت، استفاده می‌کنند)، در نزد پروردگارش (در جهان دیگر)، باغ‌هایی است که نهرها از پای درختانش می‌گذرد؛ همیشه در آن خواهند بود؛ و همسرانی پاکیزه، و خشنودی خداوند (نصیب آن‌هاست). و خدا به (امور) بندگان، بیناست»

﴿الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّا أَمْنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿۲۸﴾﴾

«همان کسانی که می‌گویند: «پروردگارا! ما ایمان آورده‌ایم؛ پس گناهان ما را ببامرز، و ما را از عذاب آتش، نگاهدار!»

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ ﴿۱۰۰﴾

«کسانی که نسبت به آیات خدا کفر می‌ورزند و پیامبران را به ناحق می‌کشند، و (نیز) مردمی را که امر به عدالت می‌کنند به قتل می‌رسانند، و به کیفر دردناک (الهی) بشارت ده!»

﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ إِنِّي فَاعِكَ وَرَافِعَكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرَكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلَ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾ ﴿۱۰۱﴾

«(به یاد آورید) هنگامی را که خدا به عیسی فرمود: «من تو را برمی‌گیرم و به سوی خود، بالا می‌برم و تو را از کسانی که کافر شدند، پاک می‌سازم؛ و کسانی را که از تو پیروی کردند، تا روز رستاخیز، برتر از کسانی که کافر شدند، قرار می‌دهم؛ سپس بازگشت شما به سوی من است و در میان شما، در آنچه اختلاف داشتید، داوری می‌کنم»

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ ﴿۱۰۲﴾

«کسانی که پیمان الهی و سوگندهای خود (به نام مقدس او) را به بهای ناچیزی می‌فروشند، آن‌ها بهره‌ای در آخرت نخواهند داشت؛ و خداوند با آن‌ها سخن نمی‌گوید و به آنان در قیامت نمی‌نگرد و آن‌ها را (از گناه) پاک نمی‌سازد؛ و عذاب دردناکی برای آن‌هاست»

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَى بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ﴾ ﴿۱۰۳﴾

«کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، اگر چه روی زمین پر از طلا باشد، و آن را به عنوان فدیة (و کفاره اعمال بد خویش) بپردازند، هرگز از هیچ‌یک آن‌ها قبول نخواهد شد؛ و برای آنان، مجازات دردناک است؛ و یاورانی ندارند»

در همه این نمونه‌ها نکته مهم دیگر، وجه اخباری در آن‌هاست که معنای قطعیت و اطمینان را می‌رساند. خداوند هنگام سخن گفتن درباره وقوع این حوادث، با اطمینان کامل در مورد آن‌ها با کاربرد وجه اخباری سخن می‌گوید.

## ب) وجهیت<sup>۱</sup>

وجه به قضاوت‌ها، نظرات و نگرش‌ها در متن و گفت‌وگو و به‌ویژه میزان پای‌بندی گوینده یا نویسنده به ادعایی که می‌کند اشاره دارد. همان‌طور که سیمپسون می‌گوید، وجه عبارت است از: «نگرش یا نظر گوینده در مورد صحت گزاره‌ای که توسط جمله بیان می‌شود. وجه هم‌چنین به دیدگاه و نگرش آن‌ها در مورد موقعیت یا رویدادی که توسط یک جمله بیان می‌شود نیز گسترش می‌یابد (سیمپسون: ۴، به نقل از ریچاردسون: ۵۹).

وجه یک مرحله پیش‌تر را در تحلیل فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که نه‌تنها بین صورت و محتوا ارتباطی برقرار است، بلکه بین محتوا و نقش هم رابطه وجود دارد. وجه اغلب توسط کاربرد افعال وجهی، صورت منفی این افعال و هم‌چنین استفاده از قیود مشخص می‌شود. ریچاردسون مقوله وجهیت را به دو دسته عمده وجه اخباری<sup>۲</sup> و وجه التزامی<sup>۳</sup> تقسیم کرده است و برای هر دوی آن‌ها پیوستاری در نظر می‌گیرد (ریچاردسون: ۶۰). او می‌گوید وجه اخباری می‌تواند از قطعیت کامل تا درجات مختلفی از احتیاط و در نهایت قطعیت کم‌تر تغییر کند. در مورد وجه التزامی، او معتقد است این صورت به حوادث آینده اشاره دارد و اینکه گوینده یا نویسنده به چه میزان یا درجه‌ای به اینکه یک عمل خاص باید روی دهد یا تصمیم خاصی گرفته شود اطمینان دارد. وجه التزامی نیز درجاتی دارد؛ از قطعیت کامل تا عبارات احتیاط‌آمیزتر.

هم‌چنین او می‌گوید ادعاهای قطعی دارای وجه اخباری (دارای واژه‌هایی چون باید، حتماً، ضرورتاً) نسبت به ادعاهای احتیاط‌آمیز، آمرانه‌تر بوده و بنابراین بیش‌تر در متون جنجال‌آمیز به کار می‌روند.

## کاربرد وجه اخباری در معنای قطعیت و یقین درباره روز قیامت

جزء اول در آیات ۷ تا ۱۲۶ سوره بقره، ۱۹ مورد؛ در زیر به ذکر نمونه‌هایی از آن

می‌پردازیم:

<sup>۱</sup> Modality

<sup>۲</sup> Truth modality

<sup>۳</sup> Obligation(duty) modality

﴿حَتَّمَا اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ ﴿۱۰۰﴾

«خدا بر دل‌ها و گوش‌های آنان مهر نهاده؛ و بر چشم‌هایشان پرده‌ای افکنده شده؛ و عذاب بزرگی در انتظار آن‌هاست»

﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ يَمَّا كَانُوا يَكْذِبُونَ﴾ ﴿۱۰۱﴾

«در دل‌های آنان یک نوع بیماری است؛ خداوند بر بیماری آنان افزوده؛ و به خاطر دروغ‌هایی که می‌گفتند، عذاب دردناکی در انتظار آن‌هاست»

﴿فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾ ﴿۱۰۲﴾

«پس اگر چنین نکنید - که هرگز نخواهید کرد - از آتشی بترسید که هیزم آن، بدن‌های مردم (گنجهکار) و سن‌گها [بت‌ها] است، و برای کافران، آماده شده است!»

﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأْتَا بِهٖ مِثْلَهَا وَلَهُمْ فِيهَا أَنْهَارٌ مَطَّهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ ﴿۱۰۳﴾

«به کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بشارت ده که باغ‌هایی از بهشت برای آن‌هاست که نهرها از زیر درختانش جاریست. هر زمان که میوه‌ای از آن، به آنان داده شود، می‌گویند: «این همان است که قبلاً به ما روزی داده شده بود. (ولی این‌ها چقدر از آن‌ها بهتر و عالی‌تر است.)» و میوه‌هایی که برای آن‌ها آورده می‌شود، همه (از نظر خوبی و زیبایی) یکسان‌اند. و برای آنان همسرانی پاک و پاکیزه است، و جاودانه در آن خواهند بود»

﴿كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَهْلًا لَهَا قَدْ كُنْتُمْ يَوْمًا تُؤْمِنُونَ أَلَمْ يَكُنْ لَكُمْ يَوْمَئِذٍ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ فَأَنْجَى الَّذِينَ أَحْبَبْنَا لَكَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ ﴿۱۰۴﴾

«چگونه به خداوند کافر می‌شوید؟! در حالی که شما مردگان (و اجسام بی‌روحي) بودید، و او شما را زنده کرد؛ سپس شما را می‌میراند؛ و بار دیگر شما را زنده می‌کند؛ سپس به سوی او بازگردانده می‌شوید. (بنابر این، نه حیات و زندگی شما از شماست، و نه مرگتان؛ آنچه دارید از خداست)»

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ ﴿۱۰۵﴾

«و کسانی که کافر شدند، و آیات ما را دروغ پنداشتند اهل دوزخ‌اند؛ و همیشه در آن خواهند بود»

﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾ ﴿۱۰۶﴾

﴿يُنصَرُونَ﴾ ﴿۱۰۷﴾

«و از آن روز بترسید که کسی مجازات دیگری را نمی‌پذیرد و نه از او شفاعت پذیرفته می‌شود؛ و نه غرامت از او قبول خواهد شد؛ و نه یاری می‌شوند»

﴿ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ ﴿۹۰﴾

«سپس شما را پس از مرگتان، حیات بخشیدیم؛ شاید شکر (نعمت او را) به جا آورید»  
﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ ﴿۹۱﴾  
«کسانی که (به پیامبر اسلام) ایمان آورده‌اند، و کسانی که به آئین یهود گرویدند و نصاری و صابئان [پیروان یحیی] هر گاه به خدا و روز رستاخیز ایمان آورند، و عمل صالح انجام دهند، پاداششان نزد پروردگارشان مسلم است؛ و هیچ‌گونه ترس و اندوهی برای آن‌ها نیست»

و آیات ۸۵، ۸۲، ۸۱، ۷۳، ۱۲۶، ۱۲۳، ۱۱۴، ۱۰۴، ۹۶، ۹۰ سوره بقره.

### جزء دوم در آیات ۱۳۰ تا ۲۱۲ سوره بقره (۸ مورد)

﴿خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَخَفُونَ عَنْهُمْ الْعَذَابَ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾ ﴿۱۳۰﴾

«همیشه در آن (لعن و دوری از رحمت پروردگار) باقی می‌مانند؛ نه در عذاب آنان تخفیف داده می‌شود، و نه مهلتی خواهند داشت!»

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ ﴿۱۳۱﴾

«کسانی که کتمان می‌کنند آنچه را خدا از کتاب نازل کرده، و آن را به بهای کمی می‌فروشند، آن‌ها جز آتش چیزی نمی‌خورند؛ و خداوند، روز قیامت، با آن‌ها سخن نمی‌گوید؛ و آنان را پاکیزه نمی‌کند؛ و برای آن‌ها عذاب دردناکی است»

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُ لَهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ﴾ ﴿۱۳۲﴾

«و هنگامی که به آن‌ها گفته شود: «از خدا بترسید!» و لجاجت و تعصب، آن‌ها را به گناه می‌کشاند. آتش دوزخ برای آنان کافی است؛ و چه بد جایگاهی است!»

و آیات ۲۱۲، ۲۰۳، ۲۰۱، ۱۷۸، ۱۳۰ سوره بقره.

### جزء سوم در آیات ۲۶۴ سوره بقره تا ۹۱ سوره آل عمران (۱۳ مورد)

﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (بقره)

«و از روزی بپرهیزید (و بترسید) که در آن روز، شما را به سوی خدا باز می گردانند؛ سپس به هر کس، آنچه انجام داده، به طور کامل باز پس داده می شود، و به آن ها ستم نخواهد شد»

﴿أَتَيْنَكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكَ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾ (عمران)

«بگو: «آیا شما را از چیزی آگاه کنم که از این (سرمایه های مادی)، بهتر است؟» برای کسانی که پرهیزگاری پیشه کرده اند، (و از این سرمایه ها، در راه مشروع و حق و عدالت، استفاده می کنند)، در نزد پروردگارش (در جهان دیگر)، باغ هایی است که نهرها از پای درختانش می گذرد؛ همیشه در آن خواهند بود؛ و همسرانی پاکیزه، و خشنودی خداوند (نصیب آن هاست). و خدا به (امور) بندگان، بیناست»

﴿الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّا أَمْنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ (عمران)

«همان کسانی که می گویند: «پروردگارا! ما ایمان آورده ایم؛ پس گناهان ما را ببامرز، و ما را از عذاب آتش، نگاهدار!»»

و آیات ۲۶۴، ۲۷۵ سوره بقره و آیات ۹۱، ۷۷، ۵۶، ۵۵، ۲۱، ۱۲، ۱۰، ۴ سوره آل عمران.

### ج) کاربرد جملات سؤالی با محتوای غیر سؤالی و کارکردهای غیرمستقیم

علاوه بر دو مؤلفه نحوی ذکر شده، یعنی وجهیت و تعدی در سوره های بررسی شده، کاربرد جملات سؤالی با محتوای غیرسؤالی و کارکردهای غیرمستقیم متعدد چون بیان اعتراض، انتقاد، سرزنش، کنایه، طعنه و غیره دیده می شود. با توجه به فراوانی کاربرد این جملات، آوردن آن ها در این بخش ضروری دیده شد.

رضایی معتقد است که نقش اصلی جملات سؤالی، کسب خبر و اطلاع است. او جملات پرسشی را به دو دسته کلی الف) پرسش های بلی - خیر و ب) جملات پرسشی اطلاعی تقسیم می کند. هم چنین دسته «الف» را به دو گروه ریزتر تقسیم می کند که عبارتند از جملات پرسشی جانبدارانه<sup>۱</sup> و جملات پرسشی خنثی<sup>۲</sup>.

در جملات پرسشی خنثی، گوینده نسبت به پاسخ مخاطب، پیش فرض یا انتظار خاصی را القا نمی کند، در حالی که در جملات پرسشی جانبدارانه، گوینده، پیش فرضها

<sup>۱</sup> biased

<sup>۲</sup> Neutral

و القائنات خود را به مخاطب منتقل می‌کند و از مخاطب هم به نوعی انتظار پاسخ مثبت یا منفی دارد و انتظار دارد نظر او را تأیید کند؛ که این جملات نیز بر حسب پاسخ مورد انتظار گوینده، خود به پرسش‌های جانبدارانه مثبت و منفی تقسیم می‌شوند. در پرسش‌های جانبدارانه مثبت، گوینده بیش‌تر انتظار پاسخ مثبت را از مخاطب دارد. در این نوع جملات غالباً پرسش به صورت منفی بیان می‌شود. ممکن است پرسش در پایان یک جمله خبری به صورت تأکیدی قرار گیرد و ممکن است جمله پرسشی تنها بیاید؛

- هوا خیلی خوب است، نه؟

- مگر مرا نمی‌شناسی؟

در جملات جانبدارانه منفی، پیش‌فرض و انتظار گوینده منفی است و به مخاطب القا می‌کند که پاسخ منفی بدهد. در این جمله‌ها نیز همانند جملات جانبدارانه مثبت، ممکن است جمله پرسشی در پایان یک جمله خبری منفی بیاید که غالباً صورت جمله پرسشی مثبت است؛

- من که پول زیادی ندارم، دارم؟

- مگر حسن هم می‌آید؟

لازم به ذکر است که این جملات بیش‌تر در نقش تأکید به کار می‌روند و برای جلب توجه و تصدیق گوینده از طرف مخاطب استعمال می‌شوند همان‌طور که ذکر شد، نقش اصلی جملات پرسشی، بیان پرسش و درخواست اطلاع است، اما بسیاری از جمله‌ها در قالب پرسشی برای درخواست اطلاع به کار نمی‌روند، بلکه بسته به بافت و دیگر ملاحظات کاربردشناختی، معانی دیگری به خود می‌گیرند. مطالعات رده‌شناختی زبان نشان داده‌اند که رابطه صورت و نقش در زبان، رابطه‌ای یک به یک نیست. یک نقش ممکن است به صورت‌های مختلف زبانی بیان گردد و برعکس، یک صورت واحد می‌تواند برای ایفای نقش‌های متفاوت به کار رود. انواع جمله نیز از این قاعده مستثنی نیست و یک نوع جمله می‌تواند در نقش انواع دیگر مورد استفاده قرار گیرد. مهم‌ترین موارد کاربرد غیرمستقیم جملات پرسشی در زبان فارسی به قرار زیر است: امری یا خواهش، درخواست و تقاضا، کسب اجازه، نهی، نفی، تعجب، تردید، صحبت گشایی، صلاح‌دید و نصیحت، تعارف، آرزو، تحقیر، تهدید، جلب توجه، سرزنش و ملامت، تأکید، جلب موافقت

و تأیید و اعتراض. رضایی برای علت کاربرد غیرمستقیم جملات سؤالی، مواردی را ذکر می‌کند. چون افزایش یا کاهش تأثیر پیام، اهداف متضاد و ادب<sup>۱</sup> یکی از روش‌های آگاه‌سازی انسان توسط خداوند درباره روز قیامت، استفاده از جملات سؤالی است. همان‌طور که در زیر ملاحظه می‌شود، خداوند در هیچ کدام از این آیات، قصد پرسش و دریافت جواب ندارد، بلکه هدف اصلی، جلب توجه مخاطبان و افزایش تأثیر پیام موجود در محتوای آیات است. کارکرد جلب توجه و سرزنش و ملامت و تأکید بر محتوای جملات در تمامی این آیات دیده می‌شود. هم‌چنین خداوند با کاربرد این پرسش، قصد نصیحت و هشدار دادن به انسان و بیدار کردن او از خواب غفلت را دارد. موارد زیر کاربرد جملات پرسشی غیرمستقیم در آیات سه جزء اول را نشان می‌دهند:

### جزء اول در آیات ۷ تا ۱۲۶ سوره بقره (۲ مورد)

﴿قَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارَ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلَفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾<sup>(۱)</sup>

«و گفتند: «هرگز آتش دوزخ، جز چند روزی، به ما نخواهد رسید.» بگو: «آیا پیمانی از خدا گرفته‌اید؟! - و خداوند هرگز از پیمانش تخلف نمی‌ورزد- یا چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت می‌دهید؟!»

﴿ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرَجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِن يَأْتُواكُمْ أُسَارَىٰ فَفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِعَافٍ لِمَنْ تَعْمَلُونَ﴾<sup>(۲)</sup>

«اما این شما هستید که یکدیگر را می‌کشید و جمعی از خودتان را از سرزمینشان بیرون می‌کنید؛ و در این گناه و تجاوز، به یکدیگر کمک می‌نمایید؛ (و این‌ها همه نقض پیمانی است که با خدا بسته‌اید) در حالی که اگر بعضی از آن‌ها به صورت اسیران نزد شما آیند، فدیة می‌دهید و آنان را آزاد می‌سازید! با اینکه بیرون ساختن آنان بر شما حرام بود. آیا به بعضی از دستورات کتاب آسمانی ایمان می‌آورید، و به بعضی کافر می‌شوید؟! برای کسی که این عمل (تبعیض در میان احکام و قوانین الهی) را



انجام دهد، جز رسوایی در این جهان، چیزی نخواهد بود، و روز رستاخیز به شدیدترین عذاب‌ها گرفتار می‌شوند. و خداوند از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست»

جزء دوم در آیات ۱۳۰ تا ۲۱۲ بقره، موردی یافت نشد.  
جزء سوم در آیات ۱۶۴ بقره تا ۹۱ آل عمران، موردی یافت نشد.

همان‌طور که مشاهده شد، هر دو گروه از جملات پرسشی برای رسیدن به مقصود و هدف مورد نظر خود (برای مثال برجسته سازی و تأکید بر محتوای آن‌ها، شکایت و اعتراض به گروه مقابل و عملکرد آن‌ها، سرزنش و ملامت، طعنه و کنایه و غیره) بهره برده بودند.

#### د) کنش‌های گفتار

یکی از عناصر ارتباطی که از کارکردهای مهم آن برقراری ارتباط با مخاطب و تأثیر بر اوست، کنش‌های گفتار است. اعمالی که از طریق گفتار انجام می‌شوند به طور کلی کنش‌های گفتار نامیده می‌شوند (یول: ۴۷).  
آستین، معرف نظریه کنش گفتار، تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای از کنش‌های گفتار ارائه داد:

۱. کنش بیانی: اظهار عبارتهایی که معنا و مصداق دارند؛
  ۲. کنش منظوری: مقصود خاصی که گوینده در اظهارات خود دنبال کند؛
  ۳. کنش تأثیری: تأثیر خاصی که کلام در شنونده می‌گذارد (همان: ۴۹-۴۸)
- سرل نیز تقسیم‌بندی بهتر و واضح‌تری از کنش‌های گفتار ارائه داده و آن‌ها را به پنج دسته تقسیم می‌کند: کنش اظهاری، ترغیبی، تعهدی، عاطفی، و اعلامی که تعریف همه این موارد خارج از حوصله این جستار است. در اینجا فقط کنش تعهدی که در آیه‌های مربوط به قیامت بسیار به کار رفته است تعریف می‌شود:
- کنش تعهدی:** این کنش‌ها، کنش‌هایی منظوری هستند که توان منظوری‌شان این است که گوینده خود را متعهد می‌سازد تا عملی را در آینده انجام دهد. محتوای گزاره‌ای

این نوع کنش ها این است که گوینده کنشی را در آینده انجام دهد (سرل، ۱۴). افعالی مثل قول دادن، سوگند خوردن و تعهد دادن از این دست هستند. کاربرد کنش تعهدی در سخن گفتن از قیامت به وفور در قرآن مشاهده می شود:

### جزء اول در آیات ۷ تا ۱۲۶ سوره بقره (۱۵ مورد)

﴿حَتَّمَا اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾

«خدا بر دل ها و گوش های آنان مهر نهاده؛ و بر چشم هایشان پرده ای افکنده شده؛ و عذاب بزرگی در انتظار آن هاست»

﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ﴾

«در دل های آنان یک نوع بیماری است؛ خداوند بر بیماری آنان افزوده؛ و به خاطر دروغ هایی که می گفتند، عذاب دردناکی در انتظار آن هاست»

﴿فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ﴾

«پس اگر چنین نکنید - که هرگز نخواهید کرد - از آتشی بترسید که هیزم آن، بدن های مردم (گنجهکار) و سنگ ها [بت ها] است، و برای کافران، آماده شده است!»

﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رَزَقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رَزَقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَتَوَاهُ مِمَّا شَابَهُمْ وَالَهُمْ فِيهَا أَنْوَاعٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾

«به کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده اند، بشارت ده که باغ هایی از بهشت برای آن هاست که نهرها از زیر درختانش جاریست. هر زمان که میوه ای از آن، به آنان داده شود، می گویند: «این همان است که قبلا به ما روزی داده شده بود. (ولی این ها چقدر از آن ها بهتر و عالی تر است.)» و میوه هایی که برای آن ها آورده می شود، همه (از نظر خوبی و زیبایی) یکسان اند. و برای آنان همسرانی پاک و پاکیزه است، و جاودانه در آن خواهند بود»

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾

«و کسانی که کافر شدند، و آیات ما را دروغ پنداشتند اهل دوزخ اند؛ و همیشه در آن خواهند بود»

﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾

«و از آن روز بترسید که کسی مجازات دیگری را نمی‌پذیرد و نه از او شفاعت پذیرفته می‌شود؛ و نه غرامت از او قبول خواهد شد؛ و نه یاری می‌شوند»

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ ﴿۳۵﴾

«کسانی که (به پیامبر اسلام) ایمان آورده‌اند، و کسانی که به آئین یهود گرویدند و نصاری و صابئان [پیروان یحیی] هر گاه به خدا و روز رستاخیز ایمان آورند، و عمل صالح انجام دهند، پاداششان نزد پروردگارشان مسلم است؛ و هیچ‌گونه ترس و اندوهی برای آن‌ها نیست. (هر کدام از پیروان ادیان الهی، که در عصر و زمان خود، بر طبق وظایف و فرمان دین عمل کرده‌اند، مأجور و رستگارند)»

﴿بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ ﴿۳۶﴾

«آری، کسانی که کسب گناه کنند، و آثار گناه، سراسر وجودشان را بپوشاند، آن‌ها اهل آتش‌اند؛ و جاودانه در آن خواهند بود»

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ ﴿۳۷﴾

«و آن‌ها که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، آنان اهل بهشت‌اند؛ و همیشه در آن خواهند ماند»

﴿ثُمَّ أَنْتُمْ هُمْ لَا تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِن يَأْتُواكُمْ أُسَارَىٰ فَفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِعَافٍ لِّعَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ ﴿۳۸﴾

«اما این شما هستید که یکدیگر را می‌کشید و جمعی از خودتان را از سرزمینشان بیرون می‌کنید؛ و در این گناه و تجاوز، به یکدیگر کمک می‌نمایید؛ (و این‌ها همه نقض پیمانی است که با خدا بسته‌اید) در حالی که اگر بعضی از آن‌ها به صورت اسیران نزد شما آیند، فدیة می‌دهید و آنان را آزاد می‌سازید! با اینکه بیرون ساختن آنان بر شما حرام بود. آیا به بعضی از دستورات کتاب آسمانی ایمان می‌آورید، و به بعضی کافر می‌شوید؟! برای کسی از شما که این عمل (تبعیض در میان احکام و قوانین الهی) را انجام دهد، جز رسوایی در این جهان، چیزی نخواهد بود، و روز رستاخیز به شدیدترین عذاب‌ها گرفتار می‌شوند. و خداوند از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست»

﴿بِسْمِ الشَّارِبِ وَأَبِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَعِيًّا أَنْ يُنَزَّلَ اللَّهُ مِنْ قَوْلِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ قَبَاءً وَإِبْغَضَ عَلَىٰ غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ﴾ ﴿۳۹﴾

«ولی آن‌ها در مقابل بهای بدی، خود را فروختند؛ که به ناروا، به آیاتی که خدا فرستاده بود، کافر شدند. و معترض بودند، چرا خداوند به فضل خویش، بر هر کس از بندگانش بخواهد، آیات خود را نازل می‌کند؟! از این رو به خشمی بعد از خشمی (از سوی خدا) گرفتار شدند. و برای کافران مجازاتی خوارکننده است»

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ ﴿۳۰﴾

«ای افراد باایمان! (هنگامی که از پیغمبر تقاضای مهلت برای درک آیات قرآن می‌کنید) نگویید: «راعنا»؛ بلکه بگویید: «انظرنّا». و بشنوید! و برای کافران عذاب دردناکی است»  
﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ ﴿۳۱﴾

«کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آن‌ها نمود؟! شایسته نیست آنان، جز با ترس و وحشت، وارد این (کانون‌های عبادت) شوند. بهره آنها در دنیا (فقط) رسوایی است و در سرای دیگر، عذاب عظیم (الهی)!!»

﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ﴾ ﴿۳۲﴾

«از روزی بترسید که هیچ‌کس از دیگری دفاع نمی‌کند؛ و هیچ‌گونه عوضی از او قبول نمی‌شود؛ و شفاعت، او را سود نمی‌دهد؛ و (از هیچ سوئی) یاری نمی‌شوند!»

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمْتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ﴾ ﴿۳۳﴾

«و (به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم عرض کرد: «پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار ده! و اهل آن را —آن‌ها که به خدا و روز بازپسین، ایمان آورده‌اند— از ثمرات (گوناگون)، روزی ده!» گفت: «(ما دعای تو را اجابت کردیم؛ و مؤمنان را از انواع برکات، بهره‌مند ساختیم؛) اما به آن‌ها که کافر شدند، بهره کمی خواهیم داد؛ سپس آن‌ها را به عذاب آتش می‌کشانیم؛ و چه بد سرانجامی دارند»

### جزء دوم در آیات ۱۳۰ تا ۲۱۲ سوره بقره (۴مورد)

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ ﴿۳۴﴾

«کسانی که کتمان می‌کنند آنچه را خدا از کتاب نازل کرده، و آن را به بهای کمی می‌فروشند، آن‌ها جز آتش چیزی نمی‌خورند؛ و خداوند، روز قیامت، با آن‌ها سخن نمی‌گوید؛ و آنان را پاکیزه نمی‌کند؛ و برای آن‌ها عذاب دردناکی است»

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرْبِ بِالْحَرْبِ وَالْعَبْدِ بِالْعَبْدِ وَالْأَنْثَى بِالْأُنْثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَأْتِبْغَاءً بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءً إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنْ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَعَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (بقره)

«ای افرادی که ایمان آورده‌اید! حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما نوشته شده است: آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن، پس اگر کسی از سوی برادر (دینی) خود، چیزی به او بخشیده شود، (و حکم قصاص او، تبدیل به خونبها گردد)، باید از راه پسندیده پیروی کند و او [قاتل] نیز، به نیکی دیه را (به ولی مقتول) بپردازد؛ این، تخفیف و رحمتی است از ناحیه پروردگار شما! و کسی که بعد از آن، تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد داشت»

﴿وَأَذْكُرُوا لِلَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ﴾ (بقره)

«و خدا را در روزهای معینی یاد کنید! (روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ماه ذی حجه). و هر کس شتاب کند، در دو روز انجام دهد، گناهی بر او نیست، و هر که تأخیر کند، گناهی بر او نیست؛ برای کسی که تقوا پیشه کند. و از خدا بپرهیزید! و بدانید شما به سوی او محشور خواهید شد!»

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُ جَهَنَّمَ وَلَيْسَ الْمِهَادُ﴾ (بقره)

«و هنگامی که به آن‌ها گفته شود: «از خدا بترسید!» و لجاجت و تعصب، آن‌ها را به گناه می‌کشاند. آتش دوزخ برای آنان کافی است؛ و چه بد جایگاهی است!»

### جزء سوم در آیات ۲۶۴ سوره بقره تا ۹۱ سوره آل عمران (۸ مورد)

﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (بقره)

«و از روزی بپرهیزید (و بترسید) که در آن روز، شما را به سوی خدا باز می‌گردانند؛ سپس به هر کس، آنچه انجام داده، به طور کامل باز پس داده می‌شود، و به آن‌ها ستم نخواهد شد» ← شامل دومورد

﴿مَنْ قَبْلُ هَدَى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ﴾ (آل عمران)

«پیش از آن، برای هدایت مردم فرستاد؛ و (نیز) کتابی که حق را از باطل مشخص می‌سازد، نازل کرد؛ کسانی که به آیات خدا کافر شدند، کیفر شدیدی دارند؛ و خداوند توانا و صاحب انتقام است»

﴿قُلْ أَتَيْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ﴾ (آل عمران)

«بگو: آیا شما را از چیزی آگاه کنم که از این (سرمایه‌های مادی)، بهتر است؟» برای کسانی که پرهیزگاری پیشه کرده‌اند، (و از این سرمایه‌ها، در راه مشروع و حق و عدالت، استفاده می‌کنند)، در نزد پروردگارش (در جهان دیگر)، باغ‌هایی است که نهرها از پای درختانش می‌گذرد؛ همیشه در آن خواهند بود؛ و همسرانی پاکیزه، و خشنودی خداوند (نصیب آن‌هاست). و خدا به (امور) بندگان، بیناست»

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (آل عمران)

«کسانی که نسبت به آیات خدا کفر می‌ورزند و پیامبران را بناحق می‌کشند، و (نیز) مردمی را که امر به عدالت می‌کنند به قتل می‌رسانند، و به کیفر دردناک (الهی) بشارت ده!»

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَعَذَبُ اللَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ﴾ (آل عمران)

«اما آن‌ها که کافر شدند، (و پس از شناختن حق، آن را انکار کردند)، در دنیا و آخرت، آنان را مجازات دردناکی خواهم کرد؛ و برای آن‌ها، یاورانی نیست»

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (آل عمران)

«کسانی که پیمان الهی و سوگندهای خود (به نام مقدس او) را به بهای ناچیزی می‌فروشدند، آن‌ها بهره‌ای در آخرت نخواهند داشت؛ و خداوند با آن‌ها سخن نمی‌گوید و به آنان در قیامت نمی‌نگرد و آن‌ها را (از گناه) پاک نمی‌سازد؛ و عذاب دردناکی برای آن‌هاست»

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ افْتَدَىٰ بِهِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ﴾ (آل عمران)

«کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند، اگر چه روی زمین پر از طلا باشد، و آن را به عنوان فدیة (و کفاره اعمال بد خویش) بپردازند، هرگز از هیچ‌یک آن‌ها قبول نخواهد شد؛ و برای آنان، مجازات دردناک است؛ و یاورانی ندارند»

### نتیجه بحث

در این پژوهش، آیات مربوط به قیامت جزء‌های اول تا سوم قرآن کریم، از منظر تحلیل گفتمان مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند. سؤالات اصلی این پژوهش عبارت بودند از:

(۱) ساختارهای گفتمان مدار بکاررفته در سه جزء اول قرآن کریم هنگام سخن گفتن از قیامت و رستاخیز کدام‌اند؟

(۲) این ساختارها چه مفاهیم و حقایقی را درباره قیامت و رستاخیز به مخاطب منتقل می‌کنند؟

در همین راستا، تمام آیات مربوط به روز قیامت جزء اول تا سوم قرآن به روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت. ساختارهای گفتمان مدار بکاررفته در این آیات عبارت بودند از تعدی، وجهیت، کنش تعهدی و جملات پرسشی با کارکرد غیرمستقیم.

با بررسی ساختارهای گفتمان مدار بکاررفته در آیات جزء اول تا سوم قرآن بر مبنای ترجمه فولادوند، نتایج زیر حاصل شد:

قاطعیت گفتار خداوند در هنگام سخن گفتن از قیامت با کاربرد وجه اخباری به تفکر و داشتن و سعی در آگاه نمودن و هشدار دادن به انسان‌ها با کاربرد جملات پرسشی دارای محتوای غیر سؤالی

کاربرد جملات مجهول و مبتداسازی برای تأکید بر سهمناک بودن قیامت و وقایع آن کاربرد کنش تعهدی (از نوع قسم، عهد، تهدید و وعده) برای نشان دادن قطعی و حتمی بودن قیامت

در بین آیات بررسی شده که حاوی ساختارهای گفتمان مدار بودند، وجهیت با ۴۰ مورد، بیش‌ترین مقدار و پرسش غیرمستقیم با محتوای غیرسؤالی با ۲ مورد، کم‌ترین

مقدار را به خود اختصاص داده‌اند و تعدی با ۳۱ مورد و کنش گفتار تعهدی با ۲۷ مورد به ترتیب بعد از وجهیت قرار دارند.

به طور خلاصه می‌توان گفت لحن صریح خداوند در هنگام سخن گفتن از قیامت بی‌هیچ ابهامی، نشان از اهمیت، بزرگی و سخت بودن این روز دارد.



## کتابنامه

- العموش، خلود. ۱۳۸۸، *گفتمان قرآن؛ بررسی زبان شناختی پیوند متن و بافت قرآن* (مطالعه موردی سوره بقره)، ترجمه سیدحسین سیدی، تهران: انتشارات سخن.
- تاجیک، محمدرضا. ۱۳۷۹، *گفتمان و تحلیل گفتمانی*، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- یارمحمدی، لطف الله. ۱۳۸۳، *گفتمان شناسی رایج و انتقادی*، تهران: انتشارات هرمس.

## مقالات

- باستانی، سوسن و مژگان دستوری. ۱۳۸۶، «*بررسی تأثیر جنسیت در گفتمان، مطالعه موردی دو ترجمه معاصر قرآن*»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۵، شماره ۳، زمستان، صص ۵-۱۳.
- رضایی، والی. ۱۳۸۲، «*کاربردشناسی جمله‌های پرسشی در زبان فارسی*»، فصلنامه زبان شناسی، سال هجدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.
- سیدی، سیدحسین و غلامرضا رئیسین. ۱۳۹۱، «*واژه به مثابه ابزار تحلیل گفتمان قرآن*»، فصلنامه علوم قرآن و حدیث، سال ۴۴، شماره ۱۸۹.
- فرزانه، سیدبابک. ۱۳۸۹، «*صور جمال در ساختار جمله‌های مجهول قرآن*»، صحیفه مبین، شماره ۴۷، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صص ۸۶-۱۰۵.

## References

- Fairclough, Norman (1992), *Discourse and Social change*, Polity: London.
- (1995), *Critical Discourse Analysis*, Longman: London.
- (2001), *Critical Discourse Analysis as a Method Social Scientific Research in Wodak, Ruth, Mayer, Michael, Methods of Critical Discourse Analysis*, SAGE Publications Ltd: London: 121 - 139.
- (2003), *Analyzing Discourse: Textual Analysis for social research*, Routledge Publishing: London.
- Johnstone, Barbara (2008), *Discourse Analysis*, Blackwell Publishing.
- Richardson, John E (2007), *Analyzing Newspapers: An Approach From Critical Discourse Analysis*, Palgrave Publishing: New York
- Searle, J. R. (1999) *Speech Acts: An Essay in the Philosophy of Language*, Cambridge University Press, Cambridge, New York and Melbourne.
- Van Dijk, T. (1998) *Ideology, a Multidisciplinary approach*, Sage Publications LTD: London
- Yule, George (2000) *pragmatics*, fifth edition, Oxford University.